

Jurisprudential and legal review of the bill of the Comprehensive Arbitration Law and the UNCITRAL Model Law

Majid Panahbar: PhD. Student, Department of Private Law, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. majid.panahbar@gmail.com

Mansour Atashneh: Assistant Professor, Department of Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding author). mahmood.lari@vatanmail.ir

Alireza Rajab-Zadeh Estahbanati: Assistant Professor, Department of Law, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. alirezarajabzade@gamil.com

Abstract

The purpose of this study is the jurisprudential and legal review of the bill of the Comprehensive Arbitration Law and the UNCITRAL Model Law. The research method will be descriptive-analytical and the collection method will be library. Iran's International Commercial Arbitration Law is undoubtedly an important step forward in the legislative process on arbitration in our country, and along with the provisions of the Code of Civil Procedure, the Iranian arbitration system towards a more complete and acceptable system from the point of view of criteria. And advance international standards. Following the enactment of the International Commercial Arbitration Law, arbitration can lead Iran to grant more freedom to arbitration parties in the selection of arbitration rules and procedures, resulting in less interference by domestic courts in the process. Modeling the UNCITRAL Model Arbitration Law in drafting and approving the new law will cause investors and Iranian foreign trade parties to be afraid of referring disputes to arbitration in Iranian authorities without fear or for fear of facing unexpected rulings from Iran's domestic courts. Do not be willing to accept it in their growing contracts with the Iranian parties in the coming years. On the other hand, despite all the benefits of transparency in investment judgments, especially for the public, it can also be detrimental to the parties to the dispute, especially the investor. Increasing costs and prolonging the review process are among the most important concerns of investors. In addition, transparency is in clear conflict with the commercial principles of arbitration, such as the agreement of arbitration and its important principles of privacy and confidentiality. Therefore, in applying the rules of transparency, it should be treated in such a way that both interests are combined and the principles and rules governing arbitration proceedings are not violated under the pretext of guaranteeing collective rights and interests.

Keywords: Comprehensive Bill, Unistral Sample Law, Arbitration Law.

¹ Received: ۲۰۲۲/۱۲/۲۲; Revised: ۲۰۲۳/۰۱/۲۵; Accepted: ۲۰۲۳/۰۲/۰۴; Published online: ۲۰۲۳/۰۲/۱۵

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



بررسی فقهی و حقوقی لایحه قانون جامع داوری و قانون نمونه آنستیرال

مجید پناه‌پر: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. majid.panahbar@gmail.com
منصور عطاشنه: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). mahmood.lari@vatanmail.ir
علیرضا رجب‌زاده اصطهباناتی: استادیار، گروه حقوق، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. alirezazarajbzade@gamil.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی و حقوقی لایحه قانون جامع داوری و قانون نمونه آنستیرال می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران بی‌گمان تحولی مهم و گامی به پیش در روند قانونگذاری در مورد داوری در کشور ما به‌شمار می‌رود و در کنار مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، نظام داوری ایران را به سوی نظامی کامل‌تر و قابل پذیرش از دیدگاه ملاک‌ها و ضوابط بین‌المللی پیش می‌برد. تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی می‌تواند ایران را به سوی اعطای آزادی بیشتر به طرفین داوری در گزینش قواعد و آیین داوری، و در نتیجه مداخله کمتر محاکم داخلی در روند آن سوق دهد. الگوگیری از قانون نمونه داوری آنستیرال در تنظیم و تصویب قانون جدید سبب خواهد شد که سرمایه‌گذاران و طرف‌های تجارت خارجی ایران، از شرط ارجاع اختلافات به داوری در مراجع ایران بدون دلیل و یا از خوف روبرو شدن با آراء غیرمنتظره از محاکم داخلی ایران، بیمناک نباشند و به پذیرش آن در قراردادهای روبه فزونی خود و با طرف‌های ایرانی در سال‌های آینده رغبت نشان دهند. از جهتی دیگر، علی‌رغم تمام مزایایی که رعایت شفافیت در داوری‌های سرمایه‌گذاری، به ویژه برای عموم به دنبال دارد، از جهاتی هم می‌تواند مضر به حال طرفین اختلاف، به ویژه سرمایه‌گذار باشد. افزایش هزینه‌ها و طولانی شدن فرایند رسیدگی، از مهم‌ترین نگرانی‌های سرمایه‌گذاران است. علاوه بر آن، شفافیت با مبانی تجاری داوری همچون توافقی بودن داوری و اصول مهم آن یعنی خصوصی بودن و محرمانگی در تعارض آشکار است. لذا در اعمال قواعد شفافیت باید به گونه‌ای رفتار شود که هر دو مصلحت با یکدیگر جمع شده و به بهانه تضمین حقوق و منافع جمعی، اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی‌های داوری نقض نشود.

کلیدواژه‌ها: قانون نمونه آنستیرال، قانون داوری، قوانین حقوقی، حقوق تجارت بین‌الملل، قانون داوری تجاری بین‌المللی.

^۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

مقدمه

داوری به معنای فصل خصومت توسط غیرقاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی به دعاوی است و داور در لغت، نام خداوند متعال است و در اصطلاح کسی است که برای داوری انتخاب شده است. داوری، توافق طرفین در ارجاع مأموریتی قضایی به شخص یا اشخاصی مرضی الطرفین است، که تجویز قانون به این توافق مشروعیت می‌بخشد. توافق طرفین در ارجاع اختلاف به داوری ممکن است به صورت قرارداد مستقل یا شرط ضمن عقد صورت گیرد که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند که دعاوی موجود خود را، خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد، و یا منازعه و اختلاف احتمالی خود را که در آینده ممکن است حادث شود، برای رسیدگی و صدور رأی، به داوری یک یا چند نفر ارجاع نمایند. تدوین یک قانون مناسب در زمینه داوری، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها برای جذب هرچه بیشتر اشخاص به داوری می‌باشد.

با توجه به تورم قضایی، رجوع به داوری، و حتی میانجیگری مورد توجه قرار گرفته و گرایش به داوری روزبه‌روز افزایش یافته و مراکز داوری متعددی ایجاد شده است. فعالیت‌های مرکز داوری اتاق ایران مستقر در تهران و نیز مرکز داوری اتاق تهران و نیز مرکز داوری منطقه‌ای تهران (بین‌المللی) و اتاق‌های بازرگانی و داوری در مراکز استان‌های مختلف، نشان‌دهنده گسترش داوری می‌باشد. یکی از مهمترین مصادیق داوری، دیوان داوری ایران و آمریکا است که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و اهمیت داوری را بیشتر آشکار می‌نماید. البته کشورها به منظور ایجاد بستری مناسب برای در نظر گرفتن هرچه بهتر نیازها، سعی در اصلاح قوانین داوری خود دارند. یکی از قوانین مدرن در زمینه داوری، قانون نمونه داوری آنسیترال^۳ می‌باشد که این قانون به عنوان قانونی پیشرفته مورد استقبال بسیاری از کشورها واقع شده است، که کارهای مدرنی برای تسهیل انجام امور مربوط به داوری و کاستن از موارد دخالت دادگاه‌ها در فرآیند داوری و موانع موجود در اجرای آرای داوری در نظر گرفته است. اخیراً، ایران نیز در راستای بهبود قوانین داوری خود، درصدد ایجاد لایحه جامعی برای تلفیق داوری تجاری بین‌المللی با داوری داخلی برآمده است. هرچند این لایحه گامی رو به جلو در تدوین قوانین مربوط به داوری داخلی در ایران به حساب می‌آید، اما انتقاداتی بر این لایحه در مقایسه با قانون نمونه آنسیترال وارد است. قانون جامع داوری باید به دنبال چه اهدافی باشد؟ آیا منافع افراد باید در نظر گرفته شود؟ یا منافع جامعه؟ و اصولاً هدف لایحه قانون جامع داوری، کمک به دستگاه قضایی در راستای حل و فصل دعاوی بدون مراجعه به محاکم قضایی است؟ یا اینکه ایجاد استقبال عمومی در مراجعه به داوری با اندیشه یاری رساندن به مردم و حفظ منافع آنان است؟ و در این راستا، آیا به امکان تحصیل دلیل پرداخته شده است؟ و اینکه برای رسیدن به مطلوب،

^۳ United Nations Commission on International Trade Law

ساختار حقوقی نظام داورى باید از کدام یک از سیستم‌های واحد یا دوگانه پیروی نماید؟ هرچند در لایحه قانون جامع داورى صرفاً امکان ارزیابی دلائل پیش‌بینی شده، اما به نظر می‌رسد، اعطای قابلیت تحصیل دلیل در جریان داورى و در راستای اصلاح لایحه جامع داورى، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به طور کلی نظام داورى داخلی ایران از ایده‌های سنتی رنج می‌برد که با رویکردهای مدرن بین‌المللی سازگاری ندارد، که با اصلاح قانون داورى ایران و ایجاد یک سیستم واحد در داورى داخلی و بین‌المللی، مسیر رسیدن به مطلوب را می‌توان هموار نمود.

خدابخشی (۱۳۹۳)، در کتاب «حقوق داورى و دعاوى مربوط به آن در رویه قضایی»، به بررسی مزایا و معایب داورى و لزوم تخصص بالا برای رسیدگی به اختلافات در چارچوب داورى به عنوان یکی از دقیق‌ترین مسائل پرداخته است، به نحوی که هنگام تفسیر قرارداد داورى، انتخاب داور و اجرای رأی داور و ابطال آن، دشواری‌های شکلی و ماهوی بسیاری ایجاد می‌شود، لکن در مورد لایحه قانون جامع داورى، بحثی به میان نیاورده است.

شیروی (۱۳۹۱)، با بررسی قوانین داورى تجاری بین‌المللی، مفهوم و موضوع داورى و داورى‌پذیری در امور داخلی و بین‌المللی را مورد بحث قرار داده، اما در خصوص لایحه قانون جامع داورى مبحثی ندارد.

در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی و حقوقی لایحه قانون جامع داورى و سعی و تلاش در رفع معایب آن است؛ به نحوی که با بررسی قانون نمونه آنسیترال به عنوان یک قانون مدرن، و نیز با نگاهی به تجربیات عملی داورى در سراسر دنیا، این امکان به وجود آید تا در راستای نتایج این مقاله، کمک شایان توجهی به قانون‌گذار در راستای تدوین یک قانون مدرن داورى صورت پذیرد. سوال اصلی پژوهش این است که: ماهیت فقهی و حقوقی لایحه قانون جامع داورى و قانون نمونه آنسیترال به چه صورت است؟

مبانی نظری

تعریف داورى

برای درک صحیح از داورى، لازم و ضروری است که بدواً مفهوم داورى مورد بررسی قرار بگیرد، هرچند ارائه یک تعریف جامع و مانع، امری دشوار خواهد بود. لیکن ارائه تعریفی که بتواند به‌طور کلی موضوع را بیان نماید و مفهوم آن را نشان دهد، راهگشا خواهد بود. شناخت این روش حل و فصل اختلاف، مستلزم توضیح و شناخت مفهوم لغوی و اصطلاحی آن می‌باشد که در ابتدای امر به آن پرداخته می‌شود. داورى در لغت به معنای قضاوت، حکمیت، محاکمه، حکومت و حکم است. کلمه داور در اصل داور بوده است، به معنای صاحب داد. پس به جهت تخفیف، دال ثانی را حذف کرده‌اند. همچنین به معنای عادل است. در اصطلاح کسی است که برای قطع و فصل مرافعه دو یا چند تن، انتخاب شود (دهخدا، ۱۳۷۷). برخی از حقوقدانان، داورى را در اصطلاح فصل خصومت توسط یک یا چند نفر به‌طریق فصل خصومت قضات دادگاه‌های رسمی تعریف کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۴)، که به فصل خصومت توسط غیرقاضی، بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی اشاره دارد. بنابراین، داورى را می‌توان حل اختلاف از رهگذر اشخاص خصوصی،

با توافق طرف‌های دعوی تلقی نمود که در پاره‌ای موارد، به حکم قانون، ارجاع دعوی به داوری صورت می‌پذیرد که از مصادیق داوری اجباری می‌باشد (نیکبخت، ۱۳۸۸).

تعریف داوری در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

علی‌رغم اینکه داوری در قانون آیین دادرسی مدنی می‌توانست گره‌گشای بسیاری از ابهامات و مشکلات باشد، لیکن قانونگذار در تدوین این قانون، به این امر مهم نپرداخته و داوری را بدون تعریف رها نموده است. لیکن از مجموع مواد ۴۵۴-۴۵۵ از قانون مذکور می‌توان دریافت که داوری از دیدگاه این قانون عبارت است از: حل و فصل اختلاف از طریق مراجعه به اشخاص خصوصی (اشخاص حقیقی) که با تراضی طرفین اختلاف در یک امر حقوقی، صورت می‌پذیرد. هر چند استثناء کردن اشخاص حقوقی جهت انجام امر داوری، در قانون مذکور دارای ایراد است و این استثناء از عبارت «به داوری یک یا چند نفر» فهمیده می‌شود، زیرا اصطلاح نفر، به اشخاص حقیقی نظر دارد، نه اشخاص حقوقی. به هر روی در داوری‌هایی که به اشخاص حقوقی واگذار می‌گردد، صرفاً از نظر اداری و تشکیلاتی، امر داوری مدیریت می‌شود و نهایتاً شخص حقیقی است که داوری را انجام می‌دهد. بنابراین، چنین استثنائی هر چند غیرمستقیم، در قانون مذکور ایران شایسته اصلاح است (جباری‌زاده، ۱۳۹۰).

تعریف داوری در قانون نمونه آنسیترال

قانون نمونه آنسیترال در فصل اول بند الف ماده ۲، تحت عنوان تعاریف و قواعد تفسیر در تعریف داوری اینگونه بیان می‌دارد: «به منظور اجرای این قانون: الف: منظور از داوری هر نوع داوری است، اعم از اینکه توسط یک نهاد دائمی داوری اداره شود یا خیر، و در فصل دوم در گزینه اول ماده ۷ در تعریف موافقتنامه داوری که به طور غیرمستقیم به تعریف داوری نیز اشاره‌ای نموده، اینگونه بیان می‌دارد: موافقتنامه داوری توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام اختلافات یا اختلافات معینی که در مورد یک رابطه حقوقی خاص، اعم از قراردادی یا غیرقراردادی، بین آنها پیش آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می‌شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری ضمن یک قرارداد یا به صورت یک قرارداد جداگانه باشد (مجبی و همکاران، ۱۳۹۷). همانگونه که ملاحظه می‌گردد، در قانون نمونه آنسیترال نیز تعریف جامع و مانعی از داوری وجود ندارد و اصول آنسیترال به تعریف داوری نپرداخته و شاید به دلیل جامع‌الشمول بودن امر داوری، تدوین‌کنندگان آنسیترال خواسته‌اند تا ارائه تعریف جامع، توسط قوانین داخلی کشورها انجام شود؛ تا بدین صورت قانون نمونه آنسیترال با استقبال بیشتری از سوی کشورهای مختلف همراه باشد. به هر روی، در قانون نمونه آنسیترال، با توجه به مجموع مواد فوق‌الذکر می‌توان به تعریفی هر چند محدود دست یافت، آنجا که در تعریف موافقتنامه داوری به طور غیرمستقیم به تعریفی محدود از داوری پرداخته، می‌توان اینگونه فهمید که داوری، رسیدگی به اختلافات ناشی از یک رابطه حقوقی خاص، اعم از قراردادی یا غیرقراردادی بین طرفین است که بر مبنای شرط داوری، ضمن یک قرارداد یا به صورت قرارداد مستقل داوری به وجود آمده است (ویس، ۲۰۱۰).

^۴ Wyss

تعریف داوری در لایحه قانون جامع داوری ایران

ماده (۱) لایحه اشعار می‌دارد که: اشخاص می‌توانند قبل یا بعد از حدوث یا طرح اختلاف در دادگاه، با رعایت مقررات آمره، حل و فصل اختلاف خود را به داور ارجاع نمایند، تا داور با رعایت اصول بنیادین دادرسی به صورت مستقل و بی طرفانه و حتی المقدور سریع، کم هزینه، محرمانه، تخصصی، با حداقل تشریفات، با لحاظ کرامت و جایگاه اصحاب دعوی، فصل خصومت نماید و بندهای ۲ و ۳ ماده ۲ لایحه مذکور بیان می‌دارد که: بند ۲: داور عبارت از شخص حقیقی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی طرفین، و با سازوکار مقرر در قانون، انتخاب می‌شود که شخصاً اقدام به حل و فصل اختلاف کند. داور همواره شخص حقیقی است، و بند ۳ اعلام می‌دارد که: داوری عبارت است از حل و فصل اختلافات طرفین به وسیله شخص یا اشخاصی (داور) که مستقیم یا غیرمستقیم براساس توافق طرفین و با سازوکار مفید در قانون، انتخاب می‌شوند. تعریف ارائه شده در لایحه قانون جامع داوری هرچند نسبت به قانون داوری تجاری بین‌المللی و نیز تعاریف غیرمستقیم ارائه شده در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون نمونه آنستیرال، از جامعیت بیشتری برخوردار است که وامدار بیان ویژگی‌های داوری بوده، لکن به لازم الاجراء بودن رأی و تصمیم داور اشاره دارد که تصریحی ننموده است که از این منظر قابل ایراد است. به هر حال، ارائه هر تعریفی از داوری مانند سایر تعریف‌های ارائه شده از نظر جامع و مانع بودن، قابل انتقاد خواهد بود و شاید به همین دلیل، در قانون نمونه داوری آنستیرال نیز تعریف صریحی از داوری ارائه نشده است (زندی، ۱۳۸۸).

داوری در فقه شیعه

در فقه و شریعت اسلامی، داوری امری شناخته شده است و فقها آن را معتبر می‌دانند، در فقه، داور را قاضی تحکیم گویند. به طور کلی، در فقه شیعه قضاوت خاص امام معصوم (ع) یا نایب مأذون از جانب او، یعنی فقیه جامع‌الشرایط است که دارای دو شرط و صفت عمده، یعنی اجتهاد و عدالت باشد. معذالک، اصحاب دعوی می‌توانند طی عقد تحکیم، به جای قاضی شرع، به داوران منتخب خود مراجعه کنند که در این صورت تصمیم او معتبر و لازم الاجرا است و قدر مسلم آن است که به جز امور جزایی، حداقل در دعاوی و اختلافات مالی، مراجعه به داور (قاضی تحکیم) جائز بوده و حکم او برای طرفین لازم‌الاجرا است (محمدی گیلانی، ۱۳۷۸).

معنی قاضی تحکیم در عرف و اصطلاح فقها آن است که طرفین اختلاف شخصی را به عنوان حکم تعیین می‌کنند و به حکم او رضایت می‌دهند و این امری است که به ویژه در دوران قدیم، بین مردم مرسوم و شایع بوده و طرفین می‌توانستند با توافق، شخصی را که دارای صفات عدالت، کمال و اجتهاد باشد، به عنوان حکم انتخاب نمایند، چه دسترسی به قاضی منصوب داشته یا نداشته باشد و نظر شخصی مزبور، برای آنها الزام‌آور بوده و حق امتناع از پذیرش رأی و خروج از توافقات خود را ندارند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که بین دو نفر با توافق آنها حکم دهد و به عدالت حکم ندهد، لعنت خداوند بر او خواهد بود که این امر نشان می‌دهد، حکم داور نسبت به طرفین الزام‌آور بوده، والا صحبت از لعن نمی‌شد (خدابخشی، ۱۳۹۳).

اهمیت فقهی داوری

در خصوص ماهیت داوری، اکثر فقهای امامیه، داوری را قضاوت تحکیمی می‌دانند، اما عده‌ای دیگر، داور را وکیل طرفین اختلاف دانسته و معتقدند که داوری نوعی وکالت است، این نظریه اگرچه در بین معدودی از فقهای امامیه دیده می‌شود، لکن رواج آن بیشتر توسط فقهای اهل سنت مطرح شده است.

الف - نظریه قضاوت تحکیمی

همانگونه که بیان شد، مبنای داور در شریعت از آیه ۳۵ سوره نساء است که بیان می‌فرماید: اگر از وقوع شقاق بین زوجین نگران بودید، حکمی بین خانواده مرد و حکمی را بین خانواده زن برگزینید. با توجه به بحث داوری و حکمیت که هنگام وقوع اختلاف میان زوجین و شقاق بین آنها در آیه شریفه قرآن مطرح گردیده و فقها در بحث شقاق کتاب نکاح، آن را مطرح کرده‌اند، دعاوی خانوادگی خصوصیت چندان ویژه‌ای ندارد و فقها آن را به سایر موارد داوری تعمیم داده‌اند، اکثر فقهای امامیه معتقدند که حکم در این آیه قاضی تحکیم است و منظور، تعیین حکم بین زوجین به صورت توکیل نمی‌باشد؛ چراکه ظهور کلام خداوند متعال در آیه، بر تحکیم است. چون فرموده: «فابعثوا حکما» و نگفته: «فابعثوا وکیلا»؛ و خطاب قرآن که حکمی را بیان می‌کند، هرگاه به صورت مطلق بیان شود، منصرف به امانات و قضات هستند، به مانند «السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما و الزانیه و الزانی فاجلدوا»، در آیه مورد بحث نیز خطاب مطلق است و مخاطب آن زوجین نیستند (قربانیان، ۱۳۹۰)

ب - نظریه وکیل بودن

نظریه وکیل بودن داور در بین فقهای اهل سنت همچون ابوحنیفه آمده است. از میان فقهای امامیه، مرحوم ابن براج در کتاب «الکامل فی الفقه»، نظریه توکیل را پذیرفته، اما در آثار بعدی خود از این نظر عدول کرده است و همان نظریه تحکیم را پذیرفته است و دلیل این عدول را تبعیت توکیل از مقررات و شرایط وکالت ذکر کرده است. در میان علمای اسلامی، در میان برخی از فقهای عامه، مرحوم فاضل هندی توکیل را به مذهب مالکی و شافعی نسبت داده است. اینان معتقدند که در ازدواج، بضع حق زوج و مال حق زوجه است، و زوجین هر دو بالغ و رشید هستند و هیچ کس بر آن ولایت ندارد. بنابراین، تنها کسانی می‌توانند در مورد روابط میان آنها تصمیم بگیرند که از سوی آنها، اجازه داشته باشند و الا اصل عدم ولایت بر شخص بالغ و رشید، نقض می‌شود و دلیل دیگر را اینگونه بیان می‌کنند که چون در قاضی چه منصوب و چه منتخب، اجتهاد شرط است و در داوری اجتهاد شرط نیست، پس داوران قاضی نیستند و وکیل محسوب می‌شوند، لکن باید گفت، با توجه به قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتع»، با توجه به اینکه اگر زوجین بر شقاق اصرار داشته باشند، ممتنع از انجام وظیفه شرعی محسوب می‌شوند و اگرچه بالغ و رشید و حاکم ولی ممتنع محسوب می‌گردد و می‌تواند زوجین را به تمکین مجبور نماید و در اینجا نیز حاکم بعد از انتخاب حکم و داور، زوجین را مجبور به پذیرش حکم داور می‌کند. نکته دیگر اینکه، حاکم در حقیقت کسی است که داوران را برمی‌گزیند و داوران به منزله وکیل او هستند و در تمام امور، اجتهاد او شرط نبوده، و در امور جزئی و معین اجتهاد و فقاقت شرط

نیست و این امور را می‌توان به فرد غیرمجتهد، یعنی یکی از افراد مردم سپرد. بنابراین، می‌توان پذیرفت که ماهیت فقهی داور، همان قضاوت تحکیمی است و با مفهوم وکالت، منافات داشته و داور را نباید وکیل طرفین اختلاف تلقی کرد، چه در این صورت وکیل باید مصالح و منافع موکل خود را در نظر آورد؛ در جایی که رأی داور می‌تواند بر علیه یکی از طرفین اختلاف یا هر دو آنها باشد (تمجیدی، ۱۳۹۰).

ساختار نظام داور

سیستم داور دوگانه یا سیستم داور واحد

بعضی از کشورها سیستم قانونی واحد را برای قانون داور خود برمی‌گزینند. در سیستم‌های واحد، مجموعه مقررات یک قانون واحد هم بر داورهای داخلی و هم بر داورهای بین‌المللی حاکم می‌گردند، بدون اینکه معیارهایی برای تمیز داور داخلی و بین‌المللی از هم در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، برخی از کشورها سیستم قانونی دوگانه را ترجیح می‌دهند و برای داورهای داخلی و بین‌المللی، قواعد جداگانه‌ای تصویب می‌نمایند. برقراری سیستم دوگانه گاهی در یک مجموعه قوانین واحد و گاهی نیز در دو مجموعه مجزا انجام می‌شود (ابریشمی، ۲۰۱۵).

بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، با اعمال تغییرات در قوانین داور خود و حاکم کردن سیستم قانونی واحد، تمایل خود را به ایجاد یک سیستم واحد نشان داده‌اند. در اروپا، اسکاتلند در سال ۲۰۱۰م. سیستم دوگانه حاکم بر قانون داور خود را کنار گذاشت و قانون داور جدیدی را بر مبنای سیستم قانونی واحد بنا نهاد. همچنین، بلژیک در سال ۲۰۱۳م. قانون داور جدیدی را به تصویب رساند که بدون تمایز قائل شدن بین داور بین‌المللی و داور داخلی، بر هر دوی آنها حاکم می‌باشد. در کشورهای دیگری همچون انگلیس، اسکاتلند، آلمان و سوئد نیز سیستم واحدی بر داور حاکم است. در آسیای جنوب شرقی، هنگ‌کنگ به عنوان کشوری که انتخاب آن به عنوان مقر داور مورد تایید و احترام همگان می‌باشد، سیستم قانونی واحد را بر داور حاکم ساخت (شیروی، ۱۳۹۱).

در آمریکای لاتین، کشورهای پرو، ونزوئلا و بولیوی دارای قانون داور واحدی هستند که هم بر داور داخلی و هم بر داور بین‌المللی اعمال می‌گردد. در خاورمیانه و شمال آفریقا، عربستان سعودی و مصر از سیستم واحد تبعیت می‌نمایند. با دقت در کشورهای فوق‌الذکر ملاحظه می‌گردد که تعداد کثیری از بازیگران اصلی داور بین‌المللی در دنیا، سیستم قانونی واحدی را بر داور خود حاکم ساخته‌اند. تغییراتی که اخیراً توسط کشورهای چون هنگ‌کنگ، بلژیک و اسکاتلند انجام شده، از تمایل کشورها به تغییر سیستم قانونی دوگانه و تبعیت از سیستم قانونی واحد حکایت می‌کند. با در نظر گرفتن تعداد کثیر کشورهای توسعه‌یافته در داور که سیستم داور واحد را اتخاذ کرده‌اند، می‌توان استنباط کرد که سیستم داور واحد، انتظارات از سیستم داور مدرن را چه از لحاظ ساختاری و چه از لحاظ ماهیتی و محتوایی بهتر تأمین می‌نماید. دلایل اصلی این انتخاب عبارتند از:

سیستم قانونی واحد متناسب با نیازهای داوری، شفافیت و اطمینان مورد نیاز و مطالبه تجارت بین‌المللی را فراهم می‌آورد. معیار بین‌المللی بودن اهمیت خود را برای تفکیک داوری داخلی از بین‌المللی از دست می‌دهد و در نتیجه ابهام موجود در تشخیص اینکه آیا داوری داخلی است یا بین‌المللی، موضوعیت نخواهد داشت. سیستم واحد منجر به پیشرفت و مدرن شدن داوری داخلی نیز می‌گردد. سیستم داوری واحد بر مبنای قواعد مدرن داوری، نه تنها اشخاص و تجار خارجی، بلکه اشخاص و تجار داخلی را نیز برای ارجاع اختلافاتشان به داوری تشویق می‌نماید. یک سیستم واحد مدرن و پیشرفته می‌تواند تاثیر بسزایی در توسعه اقتصادی از طریق جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد.

تأثیر قانون نمونه آنسیترال به عنوان الگوی مناسب برای یکنواخت کردن قوانین

در دهه ۵۰، تلاش‌ها برای ایجاد یک قانون داوری تجاری بین‌المللی، با هدف رهایی از محدودیت‌های حقوق داخلی، ناموفق بود. قوانین داوری از کشوری به کشور دیگر به طور گسترده‌ای با یکدیگر تفاوت داشت و قانونگذاران ملی در زمان وضع قوانین داوری، عمدتاً به اصول موجود در حقوق و سیستم قانونگذاری خودشان تکیه می‌کردند. به همین دلیل وکلای فعال تجارت بین‌الملل در مذاکرات قراردادی، در خصوص پذیرفتن شرط داوری ارجاع دهنده به قوانین داوری، که با آنها آشنا نبودند، تعلل می‌ورزیدند. این تعارض قوانین، مانع بزرگی در توسعه داوری تجاری بین‌المللی و تجارت بین‌الملل محسوب می‌شد، تا اینکه در سال ۱۹۸۵م. قانون نمونه داوری توسط آنسیترال در جهت رفع این مشکل تدوین گردید. هرچند قانون نمونه به عنوان مقررات غیرالزام‌آور بوده و صرفاً راهنمایی برای قانونگذاری محسوب می‌شود، اما تصمیم آنسیترال برای ایجاد قانون نمونه به جای تهیه کنوانسیون، بسیار قابل تحسین بود (موزز^۵، ۲۰۱۲).

قانون نمونه آنسیترال در میان کشورها، بسیار مورد توجه قرار گرفته و تا سال ۲۰۱۶م. قانون نمونه را پذیرفته‌اند. تعدادی از کشورها بدون تغییر یا با تغییرات جزئی، قانون نمونه را مورد پذیرش قرار دادند. هرچند کشورها قانون نمونه را با توجه به ویژگی‌های خاص سیستم داخلی خودشان تصویب کرده‌اند، اما مبنای اصلی قانون نمونه در این قانونگذاری‌ها حفظ گردیده است. در حقیقت، قانون نمونه دارای چنان نفوذ و تأثیری می‌باشد که همه کشورهای که تمایل به مدرن‌سازی قوانین داوری خود دارند، به نحوی قانون نمونه را مورد توجه قرار می‌دهند. با این حال باید میان قوانینی که از قانون نمونه الهام گرفته‌اند و تحت تأثیر آن بوده‌اند. سوئد با اصلاح قانون خود سعی داشت تا جایگاه خود را به عنوان مرکزی برای رسیدگی به اختلافات ارجاع داده شده به داوری، بین شرق و غرب حفظ نماید که با لحاظ کردن یک نظام داوری واحد و جامع، در تحقق این امر موفق بوده است (لندولت^۶، ۲۰۱۲).

^۵ Mosses

^۶ Landolt

تأثیر قانون نمونه آنستیرال در مدرن ساختن داوری داخلی

نظام داوری ایران تا سال ۱۳۷۹، سیستم قانونی واحد مبتنی بر ایده‌های قانونگذاری سال ۱۳۱۸ بود. عدم موفقیت قواعد داوری داخلی در برآورده کردن نیازهای تجارت بین‌الملل، قانونگذار را بر آن داشت تا سیستم داوری واحد خود را به سیستم دوگانه تغییر دهد. اگرچه تغییر سیستم داوری واحد ایران به سیستم دوگانه، در نتیجه تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی بر مبنای قانون نمونه، مورد استقبال حقوقدانان ایرانی قرار گرفت (سیفی، ۱۳۷۷)، اما این تغییر ساختار، تحول قابل توجهی را در توسعه و ترویج داوری در ایران به وجود نیاورد. یکی از اهداف ایجاد لایحه جامع داوری، ایجاد تغییر در ساختار قوانین داوری و ایجاد ساختار متناسب با نیازهای داوری در ایران است. در همین راستا قوه قضائیه در مقدمه توجیهی لایحه مقرر می‌دارد که: در ایران هرچند در قوانین متعددی از جمله آئین دادرسی مصوب سال ۱۳۱۸، قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، قانون داوری تجاری بین‌المللی سال ۱۳۷۹ و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی مصوب ۱۳۸۰، نهاد داوری همواره مورد توجه قرار گرفته است، اما بویژه در داوری داخلی، این نهاد آنچنان که بلید، مورد استقبال قرار نگرفته که نتیجه آن تراکم پرونده‌ها در دادگستری و دیگر مراجع رسمی است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت این عدم استقبال، فقدان زیرساخت‌های لازم، از جمله ساختارها و مقررات قانونی است (محسنی و همکاران، ۱۳۸۴).

سیستم قانونی واحد در داوری

گرایش غالب در دنیا، به سمت سیستم واحد می‌باشد و حاکم شدن یک سیستم قانونی واحد بر داوری داخلی و بین‌المللی، باعث شفافیت و سهولت فهم کل سیستم داوری یک کشور می‌گردد. در حال حاضر، متأسفانه سیستم داوری ایران، نگرشی محدودکننده نسبت به آزادی طرفین اختلاف دارد و درصدد تدوین قوانینی مفصل و با اعطای اختیار بیش از حد متعارف به دادگاه‌ها، برای دخالت در جریان داوری می‌باشد. این نگرش ابتدا در قانون داوری داخلی موجود بود که سپس به نحوی به قانون داوری بین‌المللی ایران نیز سرایت کرد و در نهایت اثرات آن در لایحه جامع داوری نیز مشهود است. اولین اقدامی که باید برای رفع این مشکل صورت گیرد، تغییر نگرش نسبت به داوری، چه در داوری داخلی و چه در داوری بین‌المللی می‌باشد. برای نیل به این مقصود لازم است سیستم واحدی بر مبنای رویه‌های مدرن داوری در ایران ایجاد شود.

ایجاد سیستم داوری واحد بر مبنای قانون نمونه آنستیرال با حداقل تغییرات می‌تواند بهترین راه‌حل برای ایران باشد. ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که داوری داخلی نباید از اصول داوری بین‌المللی پیروی کند و باید محدودیت‌های نسبتاً بیشتری در مقایسه با داوری بین‌المللی بر آن بار شود. در مقام پاسخ به این استدلال باید گفت که ورود رویه‌های مورد استقبال فعالان داوری به قانون داخلی یک کشور، نه تنها مانع عقلی و قانونی ندارد، بلکه نشان‌دهنده افق دید مثبت قانونگذار برای ایجاد تحول در سیستم داوری، بویژه سیستم داوری

داخلی می‌باشد. همانطور که در خصوص دلایل ذکر شده در مورد قانون بلژیک برای حاکم ساختن قانون نمونه در داوری داخلی بیان شد، دلیلی ندارد که داوری داخلی از مزایا و ویژگی‌های رویه‌های داوری بین‌المللی محروم گردد (بورن^۷، ۲۰۱۱). بنابراین، می‌توان گفت کشورها به منظور ایجاد شفافیت و سهولت در فهم و تفسیر قوانین خود و جذب هرچه بیشتر اشخاص به داوری، با پیروی از قانون نمونه یا با تاثیر گرفتن از آن، سیستم قانونی واحد را بر قوانین داوری حاکم ساخته‌اند. همانگونه که از بررسی چارچوب قوانین داوری در ایران مشخص گردید، متأسفانه سیستم داوری داخلی ایران از ایده‌ها و افکار قدیمی رنج می‌برد که با رویه‌های مدرن بین‌المللی سازگاری ندارد. برای رفع این معضل، ایران می‌تواند قانون داوری واحد را بر مبنای قانون نمونه آنسیترال با حداقل تغییرات ایجاد نماید و یا پا را فراتر از قانون نمونه گذاشته و با پر کردن خلاءهای آن، قانون جامعی مانند انگلیس و اسکاتلند و سوئد به تصویب برساند. این روش مناسب‌ترین گزینه برای سیستم داوری ایران است؛ زیرا علاوه بر اینکه شفافیت و سهولت در فهم و تفسیر قوانین داوری ایران را در پی خواهد داشت، باعث ایجاد تحول در ایده‌ها و افکار قدیمی سایه افکننده بر قانون داوری داخلی ایران، قانون داوری بین‌المللی و همچنین لایحه پیشنهادی خواهد گردید.

نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به گسترش استفاده از داوری به عنوان کارآمدترین و مؤثرترین راهکار حل و فصل اختلاف، توجه فعالان تجاری به ویژه در روابط میان دولت‌ها با اشخاص خارجی، به داوری تجاری بین‌المللی دوچندان شده است. اهمیت این راهکار تا بدانجا رسیده است که منجر به ایجاد قالب جدیدی از داوری با عنوان داوری سرمایه‌گذاری شده است. داوری سرمایه‌گذاری که مبتنی بر معاهدات سرمایه‌گذاری دو یا چند جانبه است، می‌کوشد تا اختلافات ناشی از چنین معاهداتی را که می‌توانست با توسل به قواعد حقوق بین‌الملل حل و فصل شود، با استناد به شرط داوری مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری حل و فصل کرده و با تبدیل دعاوی قراردادی به دعاوی معاهده‌ای، مانع استفاده یا سوءاستفاده دولت به منظور رهایی از تعهدات ناشی از معاهدات شود. با این حال، نظر به وضعیت برتر دولت در مقایسه با طرف دیگر اختلاف، این احتمال همواره وجود داشته تا دولت به بهانه حاکمیت یا به اعتبار قدرت برتر خویش، با پنهان‌کاری حقایق و وقایع، درصدد تضییع منافع عموم موجود در چنین داوری‌هایی برآید. این موضوع و نظر به نقش قاعده‌ساز دیوان‌های داوری همانند دولت‌ها در اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها موجب شد تا آنسیترال پس از سال‌ها بحث و مذاکره، در ژوئیه ۲۰۱۳م، قواعد آنسیترال را درباره شفافیت در داوری اختلافات بین سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان بر مبنای معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری موسوم به قواعد شفافیت در ۸ ماده به تصویب برساند.

این قواعد هرچند تجربه نخست و معیار تمام‌عیار شفافیت در داوری نیست، از آن جهت که آن فرایند و چارچوب شکلی و سازمانی که طی آن شفافیت به نحو آشکار و همسو با رویه‌ها تضمین می‌شود را ارائه می‌دهد، گامی بلند به حساب می‌آید. قواعد شفافیت که اصولاً در

^۷ Born

داوری اختلافات ناشی از معاهدات سرمایه‌گذاری بین دولت و سرمایه‌گذار که در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۱۶ یا پس از آن منعقد گردیده، اعمال می‌شود، طرفین یا دیوان داوری را مکلف کرده است در جهت تضمین شفافیت، اطلاعات و اسناد مرتبط با داوری را در آغاز و ضمن جریان رسیدگی و جلسات استماع، در اختیار امین تعیین شده قرار دهند. امین نیز با قرار دادن این اطلاعات در پایگاه داده‌ای که بدین منظور طراحی شده است، آن را منتشر کرده و در دسترس عموم قرار می‌دهد. از نکات برجسته این قواعد، مداخله شخص ثالث در داوری است که وی می‌تواند به عنوان یاور و دوست مرجع داوری، با تقدیم لایحه و تبیین امور حکمی و موضوعی، به شفافیت بیشتر داوری کمک کند. از آنجا که تمامی اطلاعات و اسناد از این قابلیت برخوردار نیستند تا در دسترس عموم قرار گیرند، این قواعد، ضمن مستثنی کردن اطلاعات محرمانه یا حفاظت شده از افشاء، در مواردی هم که در دسترس قرار دادن اطلاعات به عموم، خطری برای یکپارچگی و تمامیت فرایند داوری به همراه دارد، مانع از افشاء آنها شده یا حکم به افشاء با تأخیر آنها می‌دهد. از سوی دیگر، حضور حقوقدانان و وکلای خارجی بین‌المللی در مراجع داوری ایران و برخورد آراء و نظرات حقوقدانان ایرانی با همتایان خارجی خود بر غنای آراء صادره افزوده و تحول رویه قضایی، ناظر بر داوری در ایران را شتاب خواهد بخشید و بویژه حقوقدانان و وکلای ایرانی را که باید برای برخورد با شرایط و مقتضیات نوین پرونده‌های مطروحه و یافتن راه حقوقی برای آنها مطالعات و بررسی‌های خود را از حوزه حقوق و منابع داخلی به میدان بسیار وسیع‌تر حقوق تجارت بین‌المللی گسترش دهند، با سیر تحولات حقوقی بین‌المللی و نقش انصاف در حل و فصل اختلافات بین‌المللی و احترام به انتظارات منطقی طرفین در روند رسیدگی و صدور حکم در داوری بین‌المللی آشناتر خواهد کرد، و این همه بی‌گمان بر توسعه و بهبود نهاد داوری در دعاوی داخلی و رفع کاستی‌های آن تأثیری شگرف خواهد داشت.

بنابراین، می‌توان چنین گفت که پیش‌نویس ضمن توسعه دعاوی غیرقابل ارجاع به داوری، به ابهام و اختلاف حقوقدانان در خصوص محدودیت مندرج در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پایان داده است و به موجب آن، در مواردی که دولت به عنوان یک شخص خصوصی اقدام به فعالیت تجاری می‌نماید، از شمول این محدودیت خارج است. در این قانون، دعاوی طاری و دعاوی متقبل و ایرادات نیز مد نظر قانونگذار قرار گرفته است که بر جامعیت آن می‌افزاید. همچنین پیش‌نویس، احکامی را درباره اتخاذ تصمیم داور درباره صلاحیت خود و موافقتنامه داوری، امکان جرح داور، امکان دستور موقت و قرار تأمین، وکالت در داوری پیش‌بینی کرده است. پیش‌نویس اقسام داوری و ملاک‌های بین‌المللی بودن داوری را گسترش داده و مقررات داوری سازمانی را به تفصیل ذکر نموده است. در مجموع، صرف‌نظر از ایرادات مذکور و جدای از بعضی ایرادات ویرایشی و برخی ضعف‌های نگارشی به لحاظ فن ادبی، پیش‌نویس قانون جامع داوری ایران بسیار جامع، مفصل، منسجم و دقیق بوده، و جوانب مختلف را در نظر گرفته است.

پیشنهادات

۱- در خصوص کتبی بودن موافقتنامه داوری، پیش‌نویس در مواد ۲، ۹ و ۱۱ به صراحت بر کتبی بودن موافقتنامه داوری تاکید کرده است، ولیکن فرازی از ماده ۲ که توافق عملی را دارای آثار موافقتنامه داوری دانسته است، قدری کار را مشکل نموده و حقوقدانان را دچار سردرگمی می‌نماید که پیشنهاد می‌شود در ویرایش‌های آتی اصلاح گردد.

۲- همچنین پیش‌بینی رسیدگی مجدد توسط داور پس از احراز جهات موجه توسط خود وی. موضوع ماده ۷۳ پیش‌نویس و تبصره آن چندان خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد، زیرا این امر استثنایی بر قاعده فراغ داور است و در استثناء باید به قدر متیقن اکتفاء کرد. لذا، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار موارد آن را به طور حصری اعلام نماید و از واگذاری تشخیص جهات موجه به نظر داور حذر کند.

۳- لایحه قانون جامع داوری بر فرآیند داوری تشریفاتی مانند تقدیم درخواست داوری، ابلاغ و صدور رأی را افزوده و سازوکار مناسبی برای آنها در نظر گرفته است که شاید برخی موارد اینچنینی و شکلی کردن داوری را به‌خاطر فلسفه وجودی داوری مبنی بر سهل الوصول بودن مراجعه به داوری برای حل و فصل منازعات نپسندند. ولی در مقابل، برخی ممکن است چنین تشریفاتی را برای استحکام نهاد داوری لازم بدانند. پیش‌نویس در لحاظ کردن تشریفات، از مقررات ق. آ.د.م در مورد دادگاه‌ها الهام گرفته است، همچنین مقررات داوری تجاری بین‌المللی را در خود جای داده است و در موارد زیادی، زبانی نسبتاً صریح به‌کار گرفته است، مانند برخورداری آرای داوری از اعتبار امر قضاوت شده و فقدان این خصیصه در قرارها. این قانون نسبت به قانون حاکم و نسبت به داوری خارجی از خود انعطاف نشان داده است و ممنوعیت انتخاب به عنوان داور به لحاظ داشتن تابعیت بیگانه، مرتفع شده است که این خود رویکردی همگون با تحولات دنیای جدید است. در خصوص ورود ثالث در رسیدگی داوری، هرچند قانون نمونه آنسیترال نیز یکی از شرایط امکان ورود شخص ثالث به داوری را عدم ایراد طرفین اصلی دعوی داوری دانسته و لایحه قانون جامع داوری نیز از آن اقتباس نموده، لکن به نظر می‌رسد وجود این شرط با فلسفه وجودی رسیدگی داوری منافات دارد؛ چراکه ضمانت اجرای عدم حصول شرط را رسیدگی مستقل به دعوی ورود ثالث در مرجع قضایی دانسته است. در چنین شرایطی معلوم نیست که تکلیف و سرانجام دعوی داوری چه خواهد شد.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود شرط رضایت طرفین دعوی داوری حذف گردد؛ چراکه ورود شخص ثالث در دعوی داوری حتی می‌تواند به روند پرونده و کشف حقیقت از سوی داور کمک شایان توجهی نماید و رأی داوری، با حقیقت امر انطباق بیشتری داشته باشد که در قانون اصلاحی ایکسید^۱ به همین روش اصلاح شده است. در خصوص نحوه دسترسی داور به ادله اثبات دعوی و تحصیل دلیل با توجه به اینکه آرای داوری به مانند احکام قضایی در دادگستری اجرا می‌گردد، به نظر می‌رسد ایجاد محدودیت برای داور، سبب تضعیف آرای داوری خواهد شد. بنابراین، به نظر می‌رسد که لایحه قانون جامع داوری بهتر است در این مورد از قانون نمونه آنسیترال تبعیت نماید.

^۱ International Centre for Settlement of Investment Disputes یا ICSID

منابع

- تمجیدی، لادن (۱۳۹۰). *داوری بین‌المللی*. تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.
- جباری‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۰). *ضرورت اصلاح قواعد داوری در حقوق ایران*. تهران: انتشارات شهردانش، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *دانشنامه حقوقی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ج ۴.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳). *مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی*. انتشارات شرکت، چاپ سوم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه حقوق و علوم سیاسی.
- زند، محمدرضا (۱۳۸۸). *داوری در رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران*. تهران: انتشارات جنگل.
- سیفی، سیدجمال (۱۳۷۷). *قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسیترال*. حقوقی، شماره ۲۳.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱). *داوری تجاری بین‌المللی*. تهران: انتشارات سمت.
- قربانیان، حسین (۱۳۹۰). *ضرورت اصلاح قواعد داوری در حقوق ایران*. در: مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران. تهران: انتشارات شهر دانش.
- محبی، کاویار؛ محسن، حسین (۱۳۹۷). *مجموعه مقررات جدید آنسیترال درباره داوری بین‌المللی*. انتشارات خرسندی، چاپ چهارم.
- محسنی، حسن؛ پورطهماسبی‌فرد، محمد (۱۳۸۴). *اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا*. *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، دوره جدید، شماره ۱۶.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۸). *قضا و قضاوت در اسلام*. تهران: انتشارات سایه.
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۸). *داوری تجاری بین‌المللی و آیین داوری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- Abrishami, A. (۲۰۱۵). Iranian Arbitration law: The Need for Reform. *International 'M Arbitration Law Review*, No. ۱.
- Born, G.B. (۲۰۱۱). *International Commercial Arbitration*. Kluwer Law International, Second Edition.
- Landolt, P. (۲۰۱۲). Arbitrators Initiatives to Obtain Factual and Legal Evidence. *Arbitration International*, ۲۴(۲).
- Mosses, M.L. (۲۰۱۲). *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*. Cambridge University Press, Second Edition.
- Wyss, L.F. (۲۰۱۰). Trends in Documentary Evidence and Consequences for Pre-Arbitration Document Management. *International Arbitration Law Review*, Vol. ۱۳.